نگاه

در ستایش پسران بی‌رحم راین

مهدی یزدانی خرم

برای من چهره ورزشی به نام فوتبال با سه رنگ سرخ، زرد و سیاه آغاز شد که بر سینه بازیکنانی ترسیم شده بود که بازی‌هایشان با تمام تیم‌های آن سال رویایی (سال ۱۹۹۰) فرق می‌کرد. هوادار آلمان بودن - شاید - در آن سال به خصوص جریانی همه‌گیر بود، اما اشاره به وضعیتی داشت که طی آن ما تیمی را باور کردیم که واژه «باشکوه» برازنده آن بود. البته بعدها خواندیم که این شکوه از سال‌های دورتر همراه تیم ملی آلمان شده است. از دهه پنجاه از شکست دادن سه بر دو مجارهای سرخ، از ناجوانمردی انگلیسی‌ها در فینال ۱۹۶۶، از درهم کوبیدن هلندی‌های دوست‌داشتنی و از آن چیزی که روح حاکم بر تفکر تیم آلمان باعث می‌شد تا حتی در بدترین روزهای این تیم هم مطمئن باشیم که آلمان‌ها یک تفاوت مهم با دیگر تیم‌های بزرگ جهان دارند. خیلی‌ها می‌گویند، این تیم همیشه ماشینی بازی می‌کند، محافظه‌کار است، زیبایی خاصی در فوتبال‌اش نیست و با این کلی‌گویی‌های همیشگی ساختار تیمی را متهم می‌کنند که نمی‌خواهد مثل ایتالیا، آرژانتین، پرتغال و یا برزیل بازی کند. من تاکید دارم که آلمان نه تنها زیبا بازی می‌کند بلکه هیچ‌گاه نشده که برای حفظ یک نتیجه روی به حاشیه بیاورد. اگر برده‌اند، مستحق‌اش بوده‌اند و اگر باخته‌اند به آرامی زمین را خالی کرده‌اند. آلمان چه در این جام و چه در تمام سال‌هایی که من بیننده بازی‌هایش بوده‌ام، دارای اسلوبی است که در آن توانایی‌های حریف‌های گوناگون را تبدیل به هیچ می‌کند. نابغه‌های آرژانتین را به وضعی می‌اندازد که تمرکز فکری‌شان از دست می‌رود و سوئدی‌های مصمم را بی‌انگیزه می‌کند و... این فوتبال و تلقی از ساختار تیمی، برآمده از فرهنگی است که فردگرایی در رگ و ریشه‌شان جا خوش کرده است، در این فرهنگ آدم‌ها به اندازه حق‌شان از دنیا طلب دارند و تجربه دو جنگ از آنها ملتی ساخته که دیگر نمی‌خواهند شکست‌های سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۴۵ را به یاد آورده و به همین دلیل روحیه جنگجویی خود را در ساختارهایی پیاده کرده‌اند که ذات صلح در آنها مستتر است. فوتبال یکی از این ساختارها است. جایی که پسران منطقه راین با سخت‌کوشی و بدون توجه به شناسنامه بازیکنان مقابل درصدد شکست دادن آنها هستند. روحیه آلمانی در زمین فوتبال تبدیل به جنگی کوچک می‌شود که در آن یک «ذهن زیبا» حاکم است. هویت‌های فردی و قدرت‌های شخصی کنترل شده و یک تیم (به معنای واقعی آن) ساخته می‌شود. برای هر بازی نقشه و طرحی وجود دارد که در صورت عدم موفقیت انعطاف‌پذیر بوده و قابلیت تغییر دارد و شاید همین امر است که آلمان را به تیمی تبدیل کرده که در بدترین شرایط خود را از جهنم بیرون آورده و حریف خوش‌باور را به آنجا فرستاده است. کم نیستند بازی‌هایی که آلمان نتیجه آن را تغییر داده و این تغییر نه از سر بخت و اقبال بلکه به واسطه همان باور و تفکری بوده که در آن فرصت شکست خوردن وجود ندارد. این روزها می‌شنوم که عده‌ای اشتباه پکرمن را دلیل برد آلمان می‌دانند! در حالی که به عقیده من پکرمن بدون توجه به تاریخ و هویت آلمان این حرکت‌ها را انجام داده و در واقع او از یاد برده بود که آلمان‌ها با بقیه تیم‌های بزرگ یک فرق اساسی دارند و آن اینکه اگر قرار باشد نتیجه‌ای را تغییر بدهند، کل ستارگان تاریخ فوتبال آرژانتین هم برایشان اهمیتی ندارد. ریکلمه بزرگ در برابر ذهن خلاقی مانند بالاک شکست می‌خورد، آیالا در هنگام پنالتی، قدرت مواجهه روحی با ساختار غیرقابل نفوذی به نام آلمان را - که در هیئت لمن مقابلش ایستاده بود- ندارد و... آلمان همیشه مصداق یک جمله نیچه‌ای است و آن اینکه ترسوها حق بردن ندارند. جبهه‌گیری در برابر غولی به نام آلمان مد این روزها است. مدی که در روزگار بازیکنان پرحاشیه، مانکن و خودمحور به وجود آمده در حالی که در این جام سوپراستارهای غرغرویی که برای حرکات بعد از گل‌های خود ساعت‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند، جای ندارند. به‌زعم من که یک بیننده همیشگی فوتبال و هوادار دوآتشه و قدیمی تیم باشکوه آلمان هستیم، بازیکنانی مانند فرینگز، بالاک، لام و حتی همان فردریش پراشتباه اما شکست‌ناپذیر، نماد اراده و قدرتی هستند که سال‌ها است جای خود را به انواع لقب‌ها و حاشیه‌ها و گربه‌رقصانی‌ها داده است. ما برنده‌ایم و این بارها و بارها و حتی در شکست‌های سنگین آلمان ثابت شده است. آلمانی‌ها گریه نمی‌کنند و شاید همین احساس کنترل شده است که هواداران تمام تیم‌های دیگر را نگران کرده است. تیمی که گریه نکند، دارای خشمی می‌شود که می‌تواند مسیر تاریخ را عوض کند. تاریخی که حتی دیوارهای حائل هم نتوانست هویت آن را از بین ببرد... سه‌شنبه‌شب آلمان بزرگ مقابل ایتالیایی‌های شکننده قرار می‌گیرد. استادیوم دورتموند پر از هواداران می‌شود و ما قرار است رویارویی تکراری آلمان و یک تیم هالیوودی دیگر را ببینیم. بنابراین دوباره شاهد رویارویی دو فرهنگ و دو هویت خواهیم بود. آلمانی‌های ترسناکِ سختکوش در برابر ایتالیایی‌های زیرک و پرحاشیه‌ایِ که در طول تاریخ هم رابطه‌ای خوش با آلمان‌ها نداشته‌اند... هوادار آلمان بودن هواداری از یک ساختار و انسجام است که در آن هم نام‌ها بازی می‌کنند و هم ذهن‌ها. بالاک در عین ستاره بودن در تیم گم می‌شود و فیلیپ لام با وجود تکنیک بی‌نظیرش قرار نیست، لاجوردی‌ها را دریبل بزند. آلمان ساده، زیبا و در عین حال غرورانگیز بازی می‌کند و شاید همین نکته است که پسران راین را کابوس تمام تکنیکی‌ها و مانکن‌های خوش آب و رنگ جهان توپ گرد کرده است. پسرانی که زیاد فکر می‌کنند و کمتر اجازه می‌دهند تا حریف فکر کند. پس به تماشای این ذهن زیبا بنشینیم، ذهنی که کمتر اجازه می‌دهد تا حریفان‌اش به بازی‌های بعد خود امیدوار باشند.

گفت‌وگو با یورگن کلینزمن

شکست در فلورانس را فراموش کردم

ترجمه: محسن ابراهیمی

در برلین هم مکان‌هایی وجود دارند که با فوتبال بیگانه هستند و حتی شاید چندان توجهی به جام جهانی نداشتند، مثل جاهایی در نیوزلند. اما سروصدای پیروزی تیم ملی آلمان آنقدر زیاد بود که حتی بی‌تفاوت‌ترین آدم‌ها را نیز کنجکاو می‌کند تا به‌دنبال مردان پیروز این مسابقه باشند. در یک باشگاه کوچک تنیس در قلب برلین تا قبل از شروع بازی آلمان- آرژانتین چنین احساسی وجود داشت اما حالا که یورگن کلینزمن روی نیمکت چوبی در این باشگاه کوچک می‌نشیند همه‌چیز رنگ دیگری به‌خود می‌گیرد. چند نوجوان تمرینات خودشان را فراموش می‌کنند و از او می‌خواهند که امضا بدهد و عکس یادگاری بگیرند و یک پیرمرد هم از او عذرخواهی می‌کند که اگر این درخواست کمی وقت یورگن را می‌گیرد، چون بچه‌هایش حالا به فوتبال هم علاقه‌مند شده‌اند. یورگن ناراحت نمی‌شود و با خوشرویی از این جمع استقبال می‌کند. او برای یک روز این فرصت کافی را به‌دست آورد تا در قلب برلین و به‌دور از فوتبال و کنفرانس مطبوعاتی، استراحت کند و بعد هم از ایتالیا حرف بزند.

■■■

■آلمان هیچ‌وقت در رقابت‌های مهم ایتالیا را شکست نداده است. از این سابقه عجیب، ترسی ندارید؟

مطلقاً نه. این فقط یک مسئله آماری است و بازیکنان هم چیزی از آن نمی‌دانند خب وقتی کسی چیزی از آن نمی‌نویسد، پس کسی هم از آن خبر ندارد. ما به قهرمانی در این جام فکر می‌کنیم.

■آیا فکر می‌کردید که با ایتالیا در نیمه نهایی روبه‌رو شوید؛ با علم به اینکه ایتالیا را بحرانی و سقوط کرده قلمداد می‌کردند؟

هرگز این‌طور فکر نکرده‌ام و همیشه منتظر عکس‌العمل آنها بودم. وقتی همه به شما شک دارند و انتقاد می‌کنند آنوقت این شما هستید که می‌خواهید به تمام دنیا نشان دهید این فکر و استنباط اشتباه است و چه چیزی در حال حاضر ارزشمند است. بعد اینکه جام جهانی یک موقعیت بی‌نظیر است که هر ۴ سال یک‌بار امکان آن به‌دست می‌آید. من همیشه به این فکر می‌کنم که ایتالیا می‌تواند جزء ۴ تیم اول باشد، حتی یک ماه پیش هم چنین عقیده‌ای داشتم. آنها کیفیت بسیار بالایی دارند، یک مربی خوب و باتجربه دارند و گروه قوی و هماهنگی را دور هم جمع کرده‌اند. حتی مشکلات روزهای آخر هم باعث شد آنها قوی‌تر بشوند تا اینکه نابود بشوند. در این تورنمنت قهرمان‌های زیادی وجود دارند اما در نیمه نهایی تیم‌های قدرتمند واقعی حضور دارند، آنهایی که مثل یک گروه هستند و به یک نفر وابسته نیستند. نگاه کنید که برزیل چه‌کار کرد.

■در تمام تحلیل‌های امروزی کارشناسان همه به این اتفاق نظر رسیده‌اند که ایتالیا هنوز سیستم کاتناچوی خود را ادامه می‌دهد. آیا شما هم چنین نظری دارید؟

واقعاً خنده‌ام می‌گیرد که چنین حرف‌هایی را می‌شنوم که ایتالیا دفاعی بازی می‌کند و آلمان حسابگر و موذی است. خب کافی است. اینها بحث‌های قدیمی است و باید آنها را کنار بگذاریم. ایتالیا وقتی باید دفاع کند بسیار فشرده و منظم این کار را انجام می‌دهد و با توجه به بازیکنانی که دارد می‌تواند خوب حمله کند. اگر لوکا تونی بازی کند، همه توپ‌ها هوایی و روی سر او خواهد بود، اما راه‌های دیگر هم وجود خواهد داشت. اما شما ایتالیایی‌ها همیشه یک نفر را دارید که همه را متعجب می‌کند، خالق موقعیت‌های جدید می‌شود و در هر لحظه می‌تواند یک اتفاق جدید را به وجود بیاورد.

■آیا توتی و بالاک این نقش را به عهده خواهند داشت؟

آنها هم توانایی چنین کاری را دارند، آنها دو فرمانده واقعی در فوتبال هستند. شاید بالاک بیشتر به خط دفاع کمک می‌کند اما هر دو این بازیکنان را مردم دوست دارند و همه منتظر دیدنشان هستند. خوشحالم که فرانچسکو دوران مصدومیت را پشت سر گذاشته است. جام جهانی به بازیکنی مثل او نیاز دارد.

■شما به یک ترکیب ثابت اعتقاد دارید، در حالی که در ایتالیا این طور نیست. در دورتموند منتظر چه اتفاقی هستید؟

اجازه دهید سوت بازی زده شود. ما برای هر تاکتیک و روشی آماده هستیم. به خوبی تمرین کرده‌ایم و می‌دانیم که چگونه پیروز شویم. دو بازی آخرمان این مسئله را تائید می‌کند.

■آلمانی‌ها نمی‌توانند ایتالیایی‌ها را تحمل کنند.

نه، چنین چیزی واقعیت ندارد. ما به شما (ایتالیایی‌ها) حساسیت نداریم، در عوض برایمان بسیار مهم هستید. بخشی از ذهنیت شما در ما هم وجود دارد و حتی در جامعه آلمانی هم آن را مشاهده می‌کنید و همین مسئله نشات گرفته از ایتالیایی‌هایی است که اینجا کار و زندگی می‌کنند. این یک برخورد مثبت است، در حقیقت با عادات شما خودمان را تطبیق داده‌ایم و می‌توانیم با شما بنشینیم و قهوه بخوریم و مسالمت‌آمیز زندگی کنیم و شیطنت خودمان را نشان دهیم. همانطوری که من خیلی چیزها را از شما یاد گرفتم، دوستان زیادی دارم و همیشه با اشتیاق به ملاقات آنها می‌روم و رابطه بسیار خوبی با آنها دارم.

■یکی از آنها پائولو استرینگار است، او می‌گوید که تیم ملی آلمان در خلال تعطیلات و گفت‌وگوی فوتبالی با دو و چند دوست دیگر به وجود آمد.

بله، درست می‌گوید. با هم دیگر حرف می‌زنیم، بحث می‌کنیم و برایم یک دوست واقعی است.

■چرا بازیکنان آلمانی دوست ندارند به لیگ ایتالیا بیایند؟

خواهید دید که بعد از جام جهانی چند پیشنهاد ایتالیایی هم روی میز آنها خواهد بود. میروسلاو کلوزه مهمترین گل‌ها را به ثمر رسانده است و برای هر تیمی می‌تواند یک مهره مفید باشد، برند اشنایدر و تورستن فرینگز در بهترین شرایط قرار دارند و ارزش‌های خود را نشان داده‌اند. جوان‌ها هم در حال رشد و پیشرفت هستند.

■چطور توانستید تیمی بسازید که در جام ملت‌های اروپا ۲۰۰۴ تقریباً نابود شده بود؟

بعد از آن شکست اعتماد به نفس خودمان را از دست داده بودیم، اما به نظر من کیفیت تیم مثل قبل از جام ملت‌ها است فقط باید خودمان را باور می‌کردیم. در مورد نحوه به کارگیری از بازیکنان و به وجود آوردن روحیه جدید خیلی صحبت کردیم. به دنبال یک بازی سریع، شاداب و تهاجمی رفتیم و تصمیم گرفتیم که بازیکنان زیر ۲۱ سال را وارد این چرخه نکنیم. به طور مداوم گفتیم که آنها باید این پروژه را باور کنند، حتی اگر شکست ۱-۴ در فلورانس هم رقم بخورد. امروز هم می‌گویم آن باخت اصلاً برایم مهم نبوده و نیست. ما به بازیکنان اعتماد کردیم و حالا جواب آن را می‌گیریم. بعد از بازی مرحله یک‌چهارم نهایی، بازیکنان انگیزه بالاتری دارند و باور کرده‌اند که می‌توانند هر تیمی را شکست دهند. این لحظه‌ای است که دیگر به کشور ما رو نمی‌کند و همه می‌دانند که باید به‌رغم محدودیت‌ها و مشکلات تا آخر پیش بروند.

■اول ماه جولای ۲۰۰۴ که تیم را در دست گرفتید، آیا باور می‌کردید که دو سال بعد به نیمه‌نهایی جام جهانی برسید؟

واقعیت را می‌گویم، نه. من همیشه آرام و جدی کارهایم را دنبال کرده‌ام و در کنار دریا زندگی آرامی را داشتم. بعد این کار پیشنهاد شد و به آلمان برگشتم. حالا از این شغل لذت می‌برم و حداقل دوست دارم در دو بازی بعدی هم برنده شوم و به‌رغم تمام انتقادات قهرمان شویم.

خلاصه گفت‌وگو

۱- واقعاً خنده‌ام می‌گیرد که چنین حرف‌هایی را می‌شنوم که ایتالیا دفاعی بازی می‌کند و آلمان حسابگر و موذی است. خب کافی است. اینها بحث‌های قدیمی است و باید آنها را کنار بگذاریم. ایتالیا وقتی باید دفاع کند بسیار فشرده و منظم این کار را انجام می‌دهد و با توجه به بازیکنانی که دارد می‌تواند خوب حمله کند.

۲- ما به شما (ایتالیایی‌ها) حساسیت نداریم، در عوض برایمان بسیار مهم هستید. بخشی از ذهنیت شما در ما هم وجود دارد و حتی در جامعه آلمانی هم آن را مشاهده می‌کنید و همین مسئله نشات گرفته از ایتالیایی‌هایی است که اینجا کار و زندگی می‌کنند.

بیرهوف از رویارویی شاگردان لیپی می‌گوید

ایتالیا از ما می‌ترسد

حالا آلمان به ایتالیا فکر می‌کند، آنها آماده هستند تا عنوان قهرمانی‌ای که سال ۹۰ در ایتالیا به دست آوردند، این بار تقدیم کنند. این ذهنیت ایتالیایی‌هایی است که از آن سال خاطره خوبی ندارند. ایتالیا میزبان بود و آلمان قهرمان شد، این بار آلمان میزبان است و ایتالیا به قهرمانی امیدوار است ولی گاهی اوقات جملات معروف و ماندنی دیگران را آزار می‌دهد، مثل همان جمله معروف گری لینه‌کر - مهاجم تیم ملی انگلیس - که می‌گوید: «فوتبال یک بازی بسیار ساده است، بیست و دو نفر، ۹۰ دقیقه دنبال توپ می‌دوند و در پایان آلمان‌ها پیروز می‌شوند.» آلمان همیشه این طور فوتبال بازی می‌کند. تا انتها پیش می‌رود. آنها ملتی هستند که برای پیروزی متولد شده‌اند. ساختار فوتبال ملی‌شان به گونه‌ای است که هفت دفعه به فینال رسیده‌اند و سه بار هم توانسته‌اند قهرمان شوند. با وجود پیروزی‌های بزرگ، سریال شکست‌هایی را هم همیشه همراه خود دارند و یکی از آنها شکست در بازی دوستانه در فلورانس مقابل ایتالیا بود. سه ماه قبل آنها با نتیجه ۱- ۴ بازی را باختند و از همانجا زنگ خطر به صدا درآمد و کمتر کسی به آینده‌ای خوب امیدوار بود. اما امروز کلینزمن این اعتماد را به وجود آورده است و جواب تمام منتقدانی را داد که او را یک توریست می‌دانند و مسافرت‌های متوالی او به آمریکا را مسخره می‌دانستند و حتی چند روز قبل از شروع جام جهانی به دنبال این موضوع بودند که کلینزمن را اخراج کنند و یک مربی دیگر را بیاورند اما ناگهان همه صبر کردند تا نمایش آلمان را در جام جهانی تماشا کنند و بعد برای قتل عام او دست به کار شوند. آلمان خوب اما پرانتقاد شروع کرد و آرام آرام روند مطلوبی پیدا کرد. حتی الیور بیرهوف مدیر تیم ملی آلمان هم سرمربی تیم را باور کرده است و از او حمایت می‌کند. برای بیرهوف و کلینزمن، ایتالیا مترادف روزهای خوش و به یادماندنی بازی در این کشور است. آنها حالا به ایتالیا رسیده‌اند و باید به این مسئله جدی فکر کنند. بیرهوف می‌گوید: «ایتالیا یک حریف سرسخت است، اما این را هم می‌دانم که از ما می‌ترسند.» او بالاک و دوستانش را نشان می‌دهد. صاحبخانه دوست ندارد در این روزهای زیبا متوقف شود: «پیروزی در پنج بازی متوالی جالب و هیجان‌انگیز است. اما قهرمانی اصلی‌ترین برنامه ما است.» بیرهوف اتفاق فلورانس را مرور می‌کند. «آن روزها همه می‌خواستند کلینزمن را بکشند و از آن بازی نفرت داشتند، اما در نهایت این یورگن است که لحظات خوب و مثبت را نشان می‌دهد و باعث پیشرفت خیره‌کننده تیم می‌شود. حالا همه چیز فراموش شده است.» در دورتموند همه چیز از صفر - صفر شروع می‌شود و آلمانی‌ها می‌توانند از شناخت و تجربه بیرهوف و کلینزمن از فوتبال ایتالیا استفاده کنند. «مسلماً این مسئله برای ما یک نقطه برتری است، حتی اگر ایتالیا از نظر تاکتیکی در سطح بسیار خوبی باشد باز هم ما می‌توانیم به دقت آنها را ارزیابی کنیم و تا امروز بیشتر از آنکه نمایشی و زیبا بازی کنند به دنبال نتیجه مطلق بوده‌اند. برای تیم لیپی هم بازی آسانی نخواهد بود و تمام دنیا از آلمان می‌ترسند ما امروز جدیت و اطمینان بزرگی را به وجود آورده‌ایم.» کلینزمن نشسته است، گوش می‌کند و لبخند می‌زند. او دوست دارد که جملاتی را برای کامل کردن توضیحات بیرهوف، ردیف کند و می‌گوید: «مسلماً ما خودمان را باور کرده‌ایم. اینجا یک تیم داریم، بازیکنان همه با انگیزه هستند و یک ملت ما را نگاه می‌کند. چطور می‌توانیم آنها را دلسرد کنیم.» اما این دو - مدیر و سرمربی - اصلاً دوست ندارند که تیم فعلی و گذشته را با یکدیگر مقایسه کنند. بیرهوف می‌گوید: «اگر قهرمان شویم، آن وقت می‌توانیم این تیم را با گذشته مقایسه کنیم.» او ترجیح می‌دهد به کلینزمن به خاطر کار بزرگش تبریک بگوید: «پیشرفت و رشد این جوان‌ها که اولین تجربه بزرگشان را به دست می‌آورند واقعاً خیره‌کننده و قابل تحسین است آنها روز به روز بهتر می‌شوند و همه این کارها را کلینزمن انجام داده است.» بیرهوف در مورد اتفاق و برخورد پایان بازی با آرژانتین هم حرف می‌زند. همه می‌خواهند از آن موضوع سر دربیاورند: «واقعاً خجالت‌آور است که جشن ما و طرفدارانمان را اینگونه خراب می‌کنند. ما آرژانتینی‌ها را خوب می‌شناسیم. مرتساکر از کوخره یک لگد خورده که عکس آن موجود است. ما پرونده خودمان را به فیفا فرستاده‌ایم.» اما امروز آنها مقابل تیمی قرار می‌گیرند که برای پیروزی هر کاری می‌کنند. روزنامه‌های آلمانی در این مورد نوشته‌اند که ایتالیا خشن‌ترین حریف خواهد بود و شب سختی را رقم خواهد زد. بیرهوف این را خوب می‌داند. آنها از گذشته درس گرفته‌اند.

چهره

اراده ژرمن‌ها

ژرمن‌ها بار دیگر در جام جهانی اثبات کردند که حتی در صورت در اختیار داشتن یک تیم کم‌ستاره اما خوی و طبیعت ژرمنی‌شان، سبب می‌شود تا آنها موفق‌تر و بهتر از دیگر بزرگان فوتبال چون برزیل، آرژانتین و یا اسپانیا نتیجه بگیرند. کریستوف متزلدر مدافع جوان مانشافت که ۴ سال پیش نیز حضور در مراحل بالایی جام جهانی ۲۰۰۲ را تجربه کرده بود در این خصوص می‌گوید: آلمان نشان داد که تیم تورنمنت‌هاست. ما ممکن است در بازی‌های ابتدایی‌مان کسی را به خاطر نمایشمان تحت تاثیر قرار ندهیم اما به مرور و آهسته‌آهسته پیشرفت می‌کنیم. ما در بازی برابر کاستاریکا بهترین عملکردمان را نشان ندادیم و در برابر لهستان نیز تقریباً اینچنین بودیم. اما از بازی با اکوادور به بعد بود که تیم به شرایط ایده‌آلش بازگشت. همیشه آلمان اینگونه بوده است. انتقادات زیادی از ابتدای مسابقات بر ما و یورگن کلینزمن وارد آمد که با نمایش حیرت‌انگیزمان و صعود تا مرحله نیمه‌نهایی جام نشان دادیم که تمامی آن گلایه‌ها و شکایات عجولانه نامنصفانه است.» مدافع جوان بورسیا دورتموند که در نهایت شگفتی توانست در ترکیب اصلی یورگن کلینزمن جایی برای خود مهیا کند در ادامه می‌گوید: «حالا ایتالیا را در مقابل داریم. تیمی که بسیار حرفه‌ای است و از تک فرصت‌ها بیشترین بهره را می‌برد. هر چند صعود آنها تا این مرحله، اندکی با چاشنی شانس نیز همراه بوده، ولی نمی‌توان به هر صورت از بزرگی و اعتبار آنها غفلت کرد.» مدافع ۲۵ ساله تیم ملی آلمان که در دیواره خط دفاعی یورگن کلینزمن در کنار پرمرتساکر دیگر فوتبالیست جوان این کشور بازی می‌کند در انتها می‌افزاید: «آلمان حتی در تورنمنت‌هایی که پیش از جام کسی به موفقیت آنان امید نداشت موفق نشان داده است. مثلاً ما چهار سال پیش در حالی که کسی کمترین امیدی برای موفقیت ما متصور نمی‌شد،

موفق شدیم تا دیدار نهایی صعود کنیم. امسال نیز چنین داستانی تکرار شده است. ما گرچه از لحاظ مهره چندان شباهتی به آلمان گذشته نداریم اما نشان دادیم که «آلمان همان آلمان است». نشان دادیم هیچ تفاوتی از لحاظ خلق و خو با آن تیم‌های گذشته نداریم.»

لام: از قهرمانی صحبت کنید

فیلیپ لام را بدون شک می‌توان برترین مدافع چپ جام جهانی خواند. مدافع جوان اسبق اشتوتگارت و فعلی بایرن مونیخ در این جام نشان داد که فوتبالیست بسیار بااستعدادی است و برخلاف آرنه فردریش که در سمت راست چندان موثر عمل نمی‌کند اما فیلیپ لام، با باستین شوان اشتایگر در سوی دیگر میدان زوجی موثر و فعال تشکیل داده‌اند. فیلیپ لام که نخستین جام جهانی‌اش را تجربه می‌کند در خصوص دیدار حساس و سرنوشت‌ساز کشورش در برابر آتزوری می‌گوید: «آلمان تا این مرحله از جام بی‌نقص و عالی کار کرده است. شکست دادن سوئد و آرژانتین موید قدرت و استحکام ما در میدان است. همیشه ایتالیا برای من تداعی‌کننده مجموعه منسجم و بسیار قدرتمند بود. این تیم فرانچسکو توتی را دارد که یکی از بهترین بازی‌سازهای فوتبال دنیاست. در درون دروازه جی‌جی بوفون بی‌شک بهترین سنگربان دنیا است و بازیکنانی مثل فابیو کاناوارو، جیان‌لوکا زامبروتا و رینو گتوزو از مهمترین بازیکنان این کشور محسوب می‌شوند. اما ما نشان دادیم که با پشتکار و تلاشمان در مقابل هیچ حریفی تسلیم نمی‌شویم. در وست فالن ایتالیا لحظات بسیار سختی را تجربه خواهد کرد. چون در این جام یکی از عواملی که در موفقیت ما بیشترین سهم را داشته، نقش بارز و پررنگ تماشاگرانمان در استادیوم‌ها بود.» مدافع باآتیه فوتبال آلمان می‌افزاید: «یورگن کلینزمن نشان داد که نه تنها توانایی‌اش بازی دادن به جوان‌ها است بلکه با تبحر خاصی می‌تواند با تزریق انگیزه و روحیه به رگ‌های آنها از تمامی این پدیده‌ها بهترین بازی را دریافت کند. آلمان دقیقاً چنین مجموعه‌ای نشان داده است. لوکاس پودولسکی، مرتساکر،

فردریش و متزلدر همگی از بازیکنان خوش‌آتیه و جوان این تیم محسوب می‌شوند که در کنار هم توانسته‌اند بهترین نتیجه را برای کشورشان به ارمغان بیاورند. امیدوارم امروز روز ما باشد. روزی که ممکن است در انتهای آن جشن صعود به دیدار نهایی را برپا کنیم. آنگاه دیگر باید از قهرمانی صحبت کرد.»